

تقریر درس خارج فقه نظام خانواده آیت الله اراکی دامت برکته

مقرر	حجت الاسلام محمدعلی زحمت کش	جلسه	۱۶	تاریخ	۱۴۰۰/۱۱/۲۱
عنوان ۱	فصل اول: کلیات احکام ازدواج				
عنوان ۲	مطلب پنجم: شروط و جوب نکاح یا انکاح				
عنوان ۳	شرط کفویت				
عنوان ۴	اموری که موجب سلب کفویت می شود				
عنوان ۵	کفر				
عنوان ۶	ازدواج با مخالف مذهب				

بحث ما در فقه خانواده در ازدواج با مسلم مخالف (غیر شیعی) بود و گفتیم این مبحث را در چهار بخش پی می گیریم که بخش اولش در اصل اینکه مسلم، با مسلم دیگر می تواند ازدواج کند مگر مواردی که با دلیل خارج شود بود؛ بنابراین اصل و قاعده کلی، جواز ازدواج مسلمان، با مسلمان دیگر است؛ ولو اینکه در مذهب با او مخالف باشد. برخی از روایات این اصل را در جلسه گذشته مطرح کردیم. از جمله ادله ای که در جلسه گذشته مطرح نکردیم، روایات فراوانی است که درباره جواز ازدواج مستضعفین فکری وارد شده است؛ یعنی شخص سنی است؛ اما اصلاً نمی داند شیعه و سنی چیست و تعصبی نسبت به شیعه ندارد؛ بسیاری از اهل سنتی که در جهان وجود دارد، تعصبی نسبت به شیعه ندارند؛ لذا ما معتقدیم که اغلب اهل سنتی که ما امروزه با آنها زندگی می کنیم، از مصادیق مستضعفین هستند؛ یعنی مطلب برای آنها روشن نیست و نمی دانند شیعه یعنی چه.

در کتاب وسائل الشیعه، بابی وجود دارد تحت عنوان «بَابُ جَوَازِ مُتَاكَحَةِ الْمُسْتَضْعَفِينَ وَ الشُّكَاكِ الْمُظْهِرِينَ لِإِسْلَامِهِ» روایاتی در این باب ذکر شده است؛ من جمله روایت صحیح ذیل که تمام رجال سند آن از ثقات هستند:

مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ أَبِي عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسْكَانَ عَنْ يَحْيَى الْحَلَبِيِّ عَنْ عَبْدِ الْحَمِيدِ الطَّائِيِّ عَنْ زُرَّارَةَ بْنِ أَعْيَنَ قَالَ: «قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: أَتَزْوُجُ بِمُرْجَتَةٍ أَوْ حُرُورِيَّةٍ قَالَ: لَا، عَلَيْكَ

بِالْبُلْهِ^۱ مِنَ النِّسَاءِ؛ قَالَ زُرَّارَةُ: فَقُلْتُ: وَاللَّهِ مَا هِيَ إِلَّا مُؤْمِنَةٌ أَوْ كَافِرَةٌ؟ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: فَأَيْنَ أَهْلُ ثَنُوى^۲ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ قَوْلُ اللَّهِ أَصْدَقُ مِنْ قَوْلِكَ «إِلَّا الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ لَا يَسْتَطِيعُونَ حِيلَةَ وَلَا يَهْتَدُونَ سَبِيلًا»^۳؛

همچنین در روایت دیگر از زراره چنین آمده است:

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: «تَزَوَّجُوا فِي الشُّكَاكِ وَلَا تَزَوَّجُوهُمْ فَإِنَّ الْمَرْأَةَ تَأْخُذُ مِنْ أَدَبِ زَوْجِهَا وَيَقْهَرُهَا عَلَى دِينِهِ»^۴؛

البته در این روایت اشاره شده که از آنها دختر بگیرید؛ اما به آنها دختر ندهید؛ زیرا دختری که متعصب نیست، وقتی با شما بود، هدایت می‌شود؛ اما اگر شما دختر به آنها بدهید، امکان این وجود دارد که این دختر به تدریج تحت تأثیر آنها قرار بگیرد.

و همچنین در روایت دیگر چنین آمده است:

عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ: «قُلْتُ لِأبي جَعْفَرٍ عليه السلام إِنِّي أَخْشَى أَنْ لَا يَجِلَّ لِي أَنْ أَتَزَوَّجَ مِمَّنْ لَمْ يَكُنْ عَلَى أَمْرِي، فَقَالَ: وَمَا يَمْنَعُكَ مِنَ الْبُلْهِ قُلْتُ وَمَا الْبُلْهُ قَالَ هُنَّ الْمُسْتَضْعَفَاتُ مِنَ اللَّاتِي لَا يَنْصِبْنَ وَلَا يَعْرِفْنَ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ»^۵؛

امتیاز این روایت است که مراد از «بله» و حتی «مستضعف» را بیان می‌کند و می‌فرماید کسانی هستند که دشمنی با اهل بیت علیهم السلام ندارند و موضع نگرفتند و شیعه نیستند که معرفت و اعتقاد به ائمه داشته باشند؛ اما در عین حال دشمنی نیز ندارند.

و نیز در روایت صحیحیه دیگری که مرحوم کلینی نقل می‌کند این‌گونه آمده است:

عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ فَصَّالَةَ بِنِ ابْنِ أَبِي بَرْزَةَ عَنْ عُمَرَ بْنِ أَبَانَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الْمُسْتَضْعَفِينَ؛ فَقَالَ: هُمْ أَهْلُ الْوَلَايَةِ؛ فَقُلْتُ: أَيُّ وَلَايَةٍ؟ فَقَالَ: أَمَا إِنَّهَا لَيْسَتْ بِالْوَلَايَةِ فِي الدِّينِ وَ لَكِنَّهَا الْوَلَايَةُ فِي الْمُنَاكَحَةِ وَالْمُورَاثَةِ وَالْمَخَالَطَةِ؛ وَ هُمْ لَيْسُوا بِالْمُؤْمِنِينَ وَلَا الْكُفَّارَ؛ مِنْهُمْ الْمُرْجُونَ لِأَمْرِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ^۶؛

حضرت در این روایت می‌فرماید مستضعفین، اهل ولایت هستند؛ منتهی نه ولایت در دین که به معنای اعتقاد به امامت ائمه اثنی عشر باشد؛ بلکه در نکاح و ارث و رفت و آمد با شما مشترک هستند؛ که برخی از آنها «الْمُرْجُونَ لِأَمْرِ اللَّهِ» هستند که در آن آیات سوره توبه می‌فرماید که برخی از مردم، «الْمُرْجُونَ لِأَمْرِ اللَّهِ» هستند؛ یعنی کارشان به خدا سپرده شده است.

۱. یعنی کسانی که این حرف‌ها سرشان نمی‌شود که شیعه کیست و سنی کیست؛ بلکه مسلمان هستند و شهادتین می‌گویند و نماز می‌خوانند و روزه می‌گیرند.

۲. «ثنوی» به معنای استثناء است.

۳. وسائل الشیعة؛ کتاب النکاح، ابواب ما یحرم بالکفر، باب ۱۱، ح ۱.

۴. همان؛ ح ۲.

۵. همان؛ ح ۳.

۶. همان؛ ح ۵.

همچنین در بخشی از روایت مفصلی نیز چنین آمده است:

قُلْتُ أَصْلَحَكَ اللَّهُ فَمَا تَأْمُرُنِي لِي أَنْطَلِقُ فَأَتَزَوِّجَ بِأَمْرِكَ؟ فَقَالَ: إِنْ كُنْتَ فَاعِلًا فَعَلَيْكَ بِالْبُلْهَاءِ مِنَ النِّسَاءِ؛ قُلْتُ: وَمَا
الْبُلْهَاءُ؟ قَالَ: ذَوَاتُ الْخُدُورِ الْعَفَائِفُ؛ فَقُلْتُ: مَنْ هُوَ عَلَى دِينِ سَالِمِ بْنِ أَبِي حَفْصَةَ؟ فَقَالَ: لَا؛ قُلْتُ: مَنْ هُوَ عَلَى دِينِ رَبِيعَةَ
الرُّأْيِ؟ قَالَ: لَا؛ وَلَكِنَّ الْعَوَاتِقَ اللَّاتِي لَا يَنْصِبْنَ وَلَا يَعْرِفْنَ مَا تَعْرِفُونَ؛^۱

شاهد ذیل روایت است که حضرت در تعریف «بله‌اء» می‌فرماید: «الْعَوَاتِقُ اللَّاتِي لَا يَنْصِبْنَ وَلَا يَعْرِفْنَ مَا تَعْرِفُونَ» آنها زنان آزاده‌ای هستند که ناصبی نیستند و در عین حال شیعه نیز نیستند که هم عقیده شما باشند.

روایات دیگری نیز در این باب وجود دارد که ما این روایات را به عنوان نمونه ذکر کردیم.

بنابراین ازدواج با مخالفی که ناصب نیست، جایز خواهد بود؛ منتهی از دختر دادن به آنها نهی شده است که این نهی بر کراهت حمل می‌شود؛ زیرا ادله دیگری وجود دارد که دال بر جواز است و جمع بین این دو دسته ادله، حمل بر کراهت است.

و صَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ